

لباسی برای ریاضیات کشور به بهانه دهه ریاضیات

عمومی کردن ریاضی در دهه ریاضیات، شاید به معنای آشنا کردن عموم مردم با ریاضیات باشد، در حدی که توقع داشته باشیم آنها چیزهایی از ریاضیات را بدانند و ترس احتمالی آنها از ریاضیات فرو ریزد. آنها باید بدانند که علمی تأثیرگذار به نام ریاضیات وجود دارد که می‌تواند در زمینه‌های مختلفی کاربرد داشته باشد و حتی اگر اکنون کاربردی برای جنبه‌های مجرد آن یافت نشود همین که می‌تواند اقلیم اندیشه را بارور سازد، ضرورت مطالعه آن را موجه می‌سازد.

اشتباه ما این است که می‌خواهیم تنها هفت نت بی مایه را به کودکی بیاموزانیم و سپس انتظار داریم بتواند آهنگ‌سازی کند.

اما در بین کسانی که با ریاضیات سروکار دارند ملاحظات بیشتری ضروری می‌نماید. مدتی است به این فکر می‌کنم که باید بین یک ریاضی‌دان و یک ریاضی‌ورز تفاوت‌هایی قائل شویم و شاید برخی از مشکلات ما در پرداختن به دغدغه‌های ریاضی کشور، ناشی از توجه نکردن به تفاوت این دو باشد.

می‌توان گفت هر کسی که ریاضی را تا انتهای دوره دکتری ادامه داده باشد و به امر تدریس در این رشته مشغول باشد یک ریاضی‌ورز است اما ریاضی‌دان کسی است که توانایی خلق ایده یا حل مسائلی مهم در این رشته را داشته باشد.

در بین کارهای متفاوتی که می‌توان برای عمومی کردن ریاضیات انجام داد شاید مهم‌ترین کار، آشنا کردن دانش‌آموزان دبیرستانی با این رشته باشد.

کوشش‌های نافرجامی که ممکن است هر یک از ما برای عمومی کردن ریاضیات داشته باشیم، از این روبی حاصل می‌ماند که ما سعی داریم با پیمودن مسیری مشخص، افراد جامعه را وادار کنیم تا با تمام وجود، ریاضیات را حس کنند؛ چیزی که اگر خمیرمایه‌ای ذاتی در کار نباشد امید به انجام آن هوده‌ای در خود ندارد.

اجازه دهید بپذیریم که ریاضیات هنر است (این اعتقادی نیست که به راحتی بتوان بیرون از این جمع کوچک خودمانی برای آن استدلالی آورد). بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که کسی با ریاضی خواندن، به این هنر دست یابد. اشتباه ما این است که می‌خواهیم تنها هفت نت بی مایه را به کودکی بیاموزانیم و سپس انتظار داریم

بتواند آهنگ‌سازی کند.

از سوی دیگر این مشکل، گریبان خود ریاضیات کشور را نیز گرفته است. برخی از افرادی که به جمع ریاضی‌دانان پیوسته‌اند، کسانی هستند که شاید چندان با میل و رغبت وارد این رشته نشده باشند و عجیب این که تا گام‌های پایانی نیز پیش رفته‌اند و حتی برخی از افراد را می‌بینیم که بدون درک آن حس ذاتی، می‌خواهند حسی را که ندارند به نسل پس از خود انتقال دهند. شاید بهتر باشد که دو سطح فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ریاضی را تعریف کنیم؛ یکی ریاضی‌دانان و دیگری ریاضی‌ورزان.

در دهه ریاضیات هم‌چنین باید به فکر پژوهشگرانی باشیم که خریداری برای گوهر افکار و ایده‌های زیبای خود نمی‌یابند.

در بین کارهای متفاوتی که می‌توان برای عمومی کردن ریاضیات انجام داد شاید مهم‌ترین کار، آشنا کردن دانش‌آموزان دبیرستانی با این رشته باشد. به این ترتیب می‌توانیم احتمال ورود افراد مشتاق را به این رشته افزایش دهیم تا کسانی که شیفته این هنر هستند به این اقلیم راه پیدا کنند.

در دهه ریاضیات هم‌چنین باید به فکر پژوهشگرانی باشیم که خریداری برای گوهر افکار و ایده‌های زیبای خود نمی‌یابند. باید بپذیریم که تلاش ما، در بزرگداشت مقام ریاضیات در کشور، دغدغه ما برای عمومی کردن آن، اختصاص ده روز برای معرفی آن و همه کارهایی که از این دست انجام می‌دهیم، لباسی واقعی برای قامت ریاضیات کشورمان نیست. این روزها زیاد به یاد داستان لباس پادشاه می‌افتم. شاید من همان کودکی هستم که از دیدن این خلعت برانزده عاجزم. من فکر می‌کنم، در حقیقت باور دارم، و برای این باور خود دلیل دارم که باید تفاوتی بین یک ریاضی‌دان و یک ریاضی‌ورز قائل شویم. من معتقدم که در این روزها باید به فکر ریاضی‌دانان کشورمان هم باشیم.

مجید میرزاویری
دانشگاه فردوسی مشهد

★ ★ ★

مطالب مندرج در نشریه منعکس‌کننده آراء و عقاید نویسندگان است و لزوماً مورد تأیید انجمن ریاضی ایران نیست.